

# ایران در سیاحت نامه اولیا چلبی

اولیا چلبی

مترجم: داود بهلولی



۱۳۹۸

سرشناسه: اولیاء چلبی، ۱۰۲۰ - ۱۰۹۳ ق. Eviya çelebi

عنوان قراردادی: اولیا چلبی سیاحتنامه سی. فارسی. برگزیده

Seyahatname. Selection .Persian

عنوان و نام پدیدآور: ایران در سیاحتنامه اولیا چلبی / اولیا چلبی: مترجم: داود بهلولی.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۶۳ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۶-۸۷۵-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه بخش هایی از کتاب سیاحتنامه اثر اولیاء چلبی مربوط به سفر او به ایران است.

موضوع: اولیاء چلبی، ۱۰۲۰ - ۱۰۹۳ ق. -- سفرها -- ایران -- خاطرات

موضوع: Diaries -- Iran -- Travel -- 1611?-1682? Eviya çelebi

موضوع: سفرنامه‌های ترکی -- قرن ۱۱ق.

موضوع: 17th century -- Turkish -- Traveler's writings

موضوع: ایران -- سیر و سیاحت -- قرن ۱۱ق.

موضوع: 17th century -- Description and travel -- Iran

شناسه افزوده: بهلولی، داود، مترجم

شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

شناسه افزوده: Elmi - Farhangi Publishing Co

رده بندی کنگره: DSR11۸۳

رده بندی دیویی: ۰۷۱۰۴۲/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۰۹۵۲۳

---

## ایران در سیاحتنامه اولیا چلبی

نویسنده: اولیا چلبی

مترجم: داود بهلولی

چاپ نخست: ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لینوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.

---



انتشارات علمی و فرهنگی

اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان،

پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۱۵۲ - ۸۸۸۰۱۵۱؛ فکس: ۸۸۸۰۱۵۱

www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir

وبسایت فروش آنلاین: www.elmifarhangi.com

فروشگاه مرکزی (پرنده آبی): خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه

گلفام، پلاک ۷۲؛ تلفن: ۲۲۰۲۴۱۴۰-۳

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶-۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶

فروشگاه دو: میدان هفت تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن:

۸۸۳۴۳۸۰۶-۷

## فهرست مطالب

۱	مقدمه مترجم	یازده
۱	مقدمه سیاحت نامه	۱
۹	سفر به ایران	۹
۹	قلعه ضیاءالدین	۹
۱۰	گرماب	۱۰
۱۰	قلعه ماکو	۱۰
۱۴	شهر تسوج	۱۴
۱۵	شهر مرند	۱۵
۲۰	شهر تبریز	۲۰
۲۰	قلعه تبریز	۲۰
۳۴	مقتل خوانی در روز عاشورا	۳۴
۳۶	نواحی تبریز	۳۶
۳۸	از گفت و گوهای بدیع	۳۸
۴۱	ستایش کلیات تبریز دلاویز	۴۱
۴۴	اخلاق ذمیمه اهل ایران	۴۴

- ۴۸ ..... زیارتگاه محمد شام‌غازان
- ۴۹ ..... قلعه قومله
- ۵۲ ..... شهر مراغه
- ۵۳ ..... شهر اوجان
- ۵۵ ..... قلعه کهروان
- ۵۶ ..... شهر اردبیل
- ۵۸ ..... دریاچه اردبیل
- ۵۹ ..... دیگر اوصاف اردبیل
- 
- ۶۵ ..... عزیمت از تبریز به ایروان
- ۶۵ ..... روستای صوفیان
- ۶۶ ..... شهر خوی
- ۶۸ ..... شهر بهستان
- ۶۸ ..... قلعه چورس
- 
- ۷۱ ..... سفر مجدد به ایران
- ۷۱ ..... قلعه قطور
- ۷۴ ..... قلعه آلباق
- ۷۵ ..... قلعه قارنی یاریق
- ۷۵ ..... قلعه بردوک
- ۷۷ ..... قلعه غازی قیران
- ۷۸ ..... دیگر قلعه‌ها و روستاها
- ۸۲ ..... قلعه ارومیه
- ۸۵ ..... حل مسئله قوم پنیانش
- ۹۹ ..... احوال قلعه ارومیه
- ۱۰۱ ..... شهر ارومیه
- ۱۰۶ ..... دریاچه ارومیه

- ۱۱۴ ..... قلعه دودومی
- ۱۱۶ ..... شهر اشنویه
- ۱۱۷ ..... قلعه دمبولی
- ۱۲۲ ..... تماشای موحش
- ۱۲۵ ..... عزیمت از ارومیه به تبریز و اصفهان نزد شاه عباس
- ۱۲۶ ..... زیارتگاه مقام امام رضا
- ۱۲۸ ..... قلعه سلماس
- ۱۳۱ ..... قلعه تسوج
- ۱۳۲ ..... قلعه قومله
- ۱۳۳ ..... ورود به شهر تبریز
- ۱۴۵ ..... سیاحت دیگر شهرهای ایران
- ۱۴۸ ..... قلعه سلطانیه
- ۱۴۸ ..... قلعه قره‌قان
- ۱۴۹ ..... شهر مراغه
- ۱۴۹ ..... قلعه کهروان
- ۱۵۰ ..... شهر هرزیل
- ۱۵۱ ..... قلعه سراو
- ۱۵۴ ..... شهر سراو
- ۱۵۵ ..... قلعه اردبیل
- ۱۵۷ ..... قصبه ماسوله
- ۱۵۸ ..... قلعه سهند
- ۱۶۰ ..... قلعه نهاوند
- ۱۶۷ ..... قلعه کنگاور
- ۱۶۸ ..... اوصاف قلعه سرخ‌بید
- ۱۶۸ ..... قلعه کوه بیستون

- ۱۷۱ ..... شهر همدان
- ۱۸۱ ..... قلعه کرمانشاه
- ۱۸۲ ..... قلعه درگزین
- ۱۸۴ ..... در بیان روز عاشورا و خواندن مقتل الحسین
- ۱۸۷ ..... قلعه پيله‌ور
- ۱۸۸ ..... قلعه دینور
- ۱۸۸ ..... قلعه جم‌جناب
- ۱۸۹ ..... قلعه دست‌پول
- ۱۸۹ ..... قصر شیرین
- ۱۹۱ ..... شهر قزوین
- ۲۰۲ ..... شهر الموت
- ۲۰۳ ..... قلعه دیلم
- ۲۰۴ ..... قلعه قصر اللصوص
- ۲۰۵ ..... قلعه اسد آباد
- ۲۰۵ ..... قلعه باغ‌جنان
- ۲۰۶ ..... قلعه مهربان
- ۲۰۹ ..... شهر سنندج
- ۲۱۲ ..... شهر قم
- ۲۱۵ ..... شهر کاشان
- ۲۱۷ ..... قلعه فین کاشان
- ۲۲۰ ..... شهر جربان‌قان
- ۲۲۳ ..... شهر ساوه
- ۲۲۶ ..... شهر ری
- ۲۳۱ ..... قلعه کوه دماوند
- ۲۳۵ ..... قلعه درتنگ
- ۲۳۵ ..... قلعه درنه
- ۲۳۶ ..... قصبه‌های کرد، گیلان، آل صالح و چنگوله

۲۳۷	شہر آبادان
۲۳۹	خرمشہر
۲۳۹	بندر مکران آباد
۲۴۰	ہرمز آباد
۲۴۱	مہماندار
۲۴۱	دوراق
۲۴۲	قلعہ بو گوردلن
۲۴۲	قلعہ سنندج
۲۴۳	قلعہ نریمان
۲۴۳	قلعہ قز لجه
۲۴۴	قلعہ ظالم علی
۲۴۵	ناحیہ بلقاس
۲۴۵	روستای بانہ
۲۴۵	روستای و سلطان
۲۴۶	روستای بروجہ
۲۴۶	سرزمین اورامان
۲۴۷	شہر گیلان





## مقدمه مترجم

سفرنامه‌ها و سیاحت‌نامه‌ها از منابع مهم و غنی در شناخت گذشته آدمیان در همهٔ ساحت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی، آداب و رسوم و غیره هستند؛ از سفرنامهٔ معروف ناصر خسرو گرفته تا سفرنامهٔ شاردن، مارکو پولو، کلاویخو و دلاواله که هر یک گوشه‌ای از دیده‌ها و شنیده‌های خود را به رشتهٔ تحریر درآورده‌اند.

در این میان سیاحت‌نامهٔ اولیا چلبی نوشتهٔ محمد ظلی بن درویش، سیاح و نویسندهٔ ترک عصر امپراتوری عثمانی، به عنوان حجیم‌ترین سفرنامهٔ جهان در ده جلد مورد توجه مورخان و نویسندگان جهان قرار گرفته است. اولیا چلبی (۱۰۲۰-۱۰۹۳ ق) که مشتاق سیاحت و دیدار سرزمین‌های دور و نزدیک بود، در رؤیایی به خدمت پیامبر اکرم (ص) می‌رسد و در جایی که می‌بایست «شفاعت یا رسول الله» بگوید، سهواً «سیاحت یا رسول الله» می‌گوید. پیامبر اکرم (ص) نیز وعدهٔ شفاعت و سیاحت به وی می‌دهد. اولیا چلبی بعد از دیدن این رؤیا و با توجه به اینکه مورد توجه سلطان مراد، پادشاه عثمانی، قرار گرفته است، با تکیه بر سمت‌های حکومتی خود، عزم را جزم می‌کند و سیاحت خود را از استانبول آغاز کرده، مشتاقانه سرتاسر

سرزمین وسیع عثمانی، ایران، آسیای مرکزی، روسیه، افریقا، حجاز و اروپا را سیاحت و یافته‌ها، دیده‌ها و شنیده‌های خود را ثبت می‌کند. حاصل همه این سیاحت‌ها، اثری ده جلدی است به ترکی عثمانی با نام سیاحت‌نامه اولیا چلبی.

اولیا چلبی نویسنده‌ای مسلط به فارسی، عربی و ترکی بوده است و دایرة لغات وسیع وی و توجه و دقت در ثبت و ضبط اصطلاحات هر شهر و دیاری — از انواع جامه‌ها و انواع و اقسام میوه‌ها و محصولات گرفته تا ثبت تعداد مساجد، مدارس، حمام‌ها و بازارها، و بهره‌گیری از آیات و روایات و استناد به کتب معتبر تاریخی — و انعکاس این دانسته‌ها در اثرش نشان‌دهنده هنرمندی وی در این ساحت است.

سهم ایران از این سفرها، سه سفر است و آنچه در دست دارید، حاصل ترجمه بخش‌های مربوط به سفر اولیا چلبی به ایران است. در سفر نخست، عازم ایروان است. وی از طریق قره ضیاء‌الدین و ماکو وارد ایران می‌شود و پس از سیر شهرهای مرند و تسوج به تبریز می‌آید و به تفصیل درباره تبریز سخن می‌گوید. سپس رهسپار قومله (خامنه)، مراغه، اوجان (بستان‌آباد)، کهروان — که ظاهراً متروکه شده و در حال حاضر چنین شهری در نقشه جغرافیا وجود ندارد — و اردبیل می‌شود. آنگاه به شرح دریاچه اردبیل و کوه سبلان می‌پردازد. سپس به تبریز بازگشته پس از گذر از خوی، عازم ایروان می‌شود.

وی در سفر دوم خود، برای حل و فصل مسئله نزاع و قتل و غارت پیش‌آمده بین عشیره کرد پنیانش — که تحت تابعیت عثمانی است — و سلطان‌نشین‌های مرزی ایران، از طریق قلعه قطور وارد ایران شده پس از گذر از قلعه‌های آلباق، قارنی یاریق، بردوک و غازی قیران وارد ارومیه می‌شود. اولیا چلبی در ارومیه به حل و فصل مسئله مورد مناقشه فوق‌الذکر می‌پردازد. آنگاه به سیاحت خود در آذربایجان ایران ادامه می‌دهد و به وصف دریاچه ارومیه، شهرهای دومدومی و دمبولی که در حال حاضر

نشانی از آن‌ها نداریم، اشنویه، سلماس، تسوج، قومله و تبریز می‌پردازد. اولیا چلبی تا بدین جا در آذربایجان سیر و سیاحت می‌کند، اما پس از اتمام مأموریت خود از تبریز خارج شده به سوی بخش‌های مرکزی ایران حرکت می‌کند. سلطانیه، قره‌قان، مراغه، هرزویل، سراب، اردبیل، ماسوله، نهاوند، کنگاور، بیستون، همدان، کرمانشاه، قصر شیرین، قزوین، سنندج، قم، کاشان، ساوه، شهر ری، آبادان، خرمشهر و دماوند از مهم‌ترین شهرهایی هستند که اولیا چلبی از آن‌ها دیدار می‌کند. وی از شهر ری عازم کرمانشاه می‌شود و سپس وارد خاک عثمانی شده، رهسپار بغداد می‌گردد. سومین سفر اولیا چلبی به ایران، بسیار کوتاه است. وی که به باکو رفته است، با کشتی به گیلان می‌آید و پس از تفرجی کوتاه مجدداً به باکو بازمی‌گردد. این سفر تنها یک صفحه از سفرنامه را به خود اختصاص داده است.

آنچه در فهرست آمده، تمامی شهرها و روستاهایی نیست که اولیا چلبی به ثبت دقایق و نکات مهم آن پرداخته است، بلکه از شهرها و روستاهای بیشتری در سیاحت‌نامه یاد شده است. ما تنها شهرهای مهم — چه در آن دوران و چه در دوران معاصر — را به صورت تیتَر درآورده‌ایم. گزارش تقریباً مفصل نویسنده از دو مراسم شبیه‌خوانی و مقتل خوانی در تبریز و درگزین، که در گذشته شهری مهم و آباد بوده و اکنون روستایی در استان همدان است، از نکات بارز مطرح شده در اثر است. نحوهٔ مراودات سیاسی، اوضاع مذهبی و تقابل میان شیعه و سنی آنگاه که پای دو حکومت صفوی و عثمانی در میان است، زبان مردمان، نحوهٔ پوشش، نحوهٔ تجارت و خرید و فروش و خصوصیات و مختصات شهرها از دیگر نکات قابل استفاده در اثر است.

این اثر در سال ۱۳۱۴ق، در اواخر عصر عثمانی، از سوی انتشارات احمد جودت با الفبای عربی (عثمانی) منتشر شد. این اثر با توجه به اوضاع اجتماعی - فرهنگی دوران زوال عثمانی، با سانسورهایی از سوی

«وزارت معارف» عثمانی مواجه شد و بخش‌هایی از آن حذف گردید. غالب بخش‌های حذف‌شده در خصوص مسائل مذهبی و سیاسی است. همچنین از حدت و شدت قلم اولیا چلبی، آنگاه که از قزلباشان یاد می‌کند، با جرح و تعدیل‌هایی کاسته شده است.

سیاحت‌نامه اولیا چلبی چه به صورت جزئی و چه کلی به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. از آن جمله می‌توان به ترجمه فارسی بخش‌هایی از سفر اولیا چلبی به تبریز و مراغه اشاره کرد که توسط حاج حسین نخجوانی در سال ۱۳۳۸ ش، در شماره ۴۱ نشریه دانشکده ادبیات تبریز منتشر شد. در سال ۱۳۶۴ نیز شرح سفرهای اولیا چلبی در مناطق کردنشین توسط فاروق کیخسروی ترجمه و با نام کرد در تاریخ همسایگان از سوی انتشارات صلاح‌الدین ایوبی ارومیه منتشر شده است.

همچنین بخش‌های مربوط به جمهوری آذربایجان، با نام آذربایجان در سیاحت‌نامه اولیا چلبی<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۳ از سوی مرکز پژوهش‌های دانشگاه قفقاز جمهوری آذربایجان منتشر شده است.

ترجمه عربی بخش «حجاز» سفرنامه نیز با ترجمه دکتر الصفصافی احمد المرسی از سوی انتشارات دارالوفاق العربیه در سال ۱۹۹۹ در مصر به چاپ رسیده است.

کل مجموعه ده جلدی سیاحت‌نامه با ترجمه سید علی قهرمان و مرحوم یوجل داغلی به ترکی استانبولی و تا جلد هشتم از سوی انتشارات بانک یایی کردی ترکیه منتشر شده است.

سیاحت‌نامه به صورت ترانسکرپت نیز در ترکیه منتشر شده است. همچنین خلاصه‌ای از اثر با ترجمه ترکی استانبولی به چاپ رسیده است.

آثاری نیز با گزینش بخش‌های خاصی از اثر مانند هرزگوین و ... ترجمه و چاپ شده است. از پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های فراوانی که با محوریت سیاحت‌نامه به ترکی استانبولی نگاشته شده است نیز

---

1. Evliya Çelebi Seyahatnamesinde Azerbaycan.

می‌گذریم؛ زیرا به اطناب سخن می‌انجامد.

در ترجمه حاضر، نسخه منتشرشده از سوی انتشارات جودت را ملاک قرار دادیم. بدان سبب که همان سیاحت‌نامه اولیا چلبی است که به خط عثمانی نوشته شده و در چاپ، تنها مجدداً حروف چینی شده بود. بدین ترتیب دسترسی به اصل املائی اصطلاحات و اعلام فراهم شده است. به عبارت دیگر، گرچه اصل نسخه خطی در اختیارمان نبود اما متن چاپی همین نسخه با همان الفبا کار را تسهیل می‌کرد. این را مقایسه کنید با نسخه ترانسکرپت، در حالی که حروف «ق» و «خ» در الفبای لاتین ترکیه وجود ندارد؛ همچنین حروفی مانند «ع» و «همزه» که در الفبای لاتین تقریباً به یک شکل نگاشته می‌شوند و مشکلات دیگر.

در ادامه کار، به همین نسخه اکتفا نکردیم و پس از اتمام کار ترجمه بر اساس نسخه انتشارات جودت، کل ترجمه را با ترجمه ترکی استانبولی مقایسه کردیم؛ بخش‌های حذف‌شده فوق‌الذکر را اضافه کردیم و مجدداً ترجمه را تطبیق دادیم. اعلام و اصطلاحات را با دقت و وسواس مقایسه کردیم و در مواردی که خوانش نسخه خطی در نسخه احمد جودت و یابی کردی با یکدیگر تفاوت داشت، با مراجعه به منابع جغرافیایی کشورمان کوشیدیم صحیح‌ترین خوانش را انتخاب کنیم. از سوی دیگر نیز ترجمه فارسی مرحوم نخجوانی را از نظر دور نداشتیم و همان بخش اندک را نیز با ترجمه خود تطبیق دادیم.

آنچه مبنای ترجمه ما تحت عنوان ایران در سیاحت‌نامه اولیا چلبی قرار گرفته، مرزهای کنونی کشورمان است. این در حالی است که در زمان نگارش اثر، بخش‌هایی از ایران کنونی مانند بخش‌هایی از استان‌های کرمانشاه و ایلام جزو قلمروی عثمانی به شمار می‌رفت و از دیگر سو مناطقی همچون جمهوری آذربایجان و بخش‌هایی از ارمنستان و گرجستان جزو سرزمین ایران عصر صفویه به شمار می‌رفتند.

کوشیده‌ایم در پاورقی‌ها حتی الامکان برخی ابهامات احتمالی را

برطرف کنیم و اطلاعاتی اجمالی در خصوص برخی شخصیت‌ها و نقاط جغرافیایی به دست دهیم.

در ترجمه، سعی در حفظ ساختار کهن متن اصلی داشته‌ایم و تلاش کرده‌ایم ضمن اجتناب از به کار بردن تعابیر کهن و ناآشنا برای خواننده، سبک و سیاق یک متن کهن و تاریخی مد نظر باشد.

گرچه هدف اثر حاضر، تنها گردآوری بخش‌هایی از سیاحت‌نامه بود که حاصل سفر اولیا چلبی به سرزمین ایران بوده است، اما مقدمهٔ کل اثر را نیز آوردیم تا مخاطب با حال و هوا، اندیشه و نیت نویسندهٔ آن آشنا گردد. در پایان لازم است از همکاری صمیمانهٔ دکتر ارکان یار، استاد دانشگاه الازیغ ترکیه، به دلیل در اختیار قرار دادن ترجمهٔ ترکی استانبولی سیاحت‌نامه تشکر کنم. همچنین سپاس خود را به مجموعهٔ انتشارات علمی و فرهنگی تقدیم می‌دارم.

داود بهلولی